

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله اول: آغاز کار
فصل ششم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله اول

فصل ششم

تطبیق دستور جلسه با خواست خدا

من قبلاً راجع به لزوم تغییر دستور جلسه متقاضیان (منظوری که متقاضیان برای رجوع به مشاوره دارند) کرده ام. تا زمانی که این کار را نکرده باشید، شما در یک مسیر خواهید بود و متقاضی در مسیری دیگر.

آیا متقاضیانی هستند که دستور جلسه صحیحی را در نظر دارند؟ بله، اما در اقلیتند. کسان دیگری نیز هستند که می گویند خواست خدا را می خواهند انجام دهند، اما بیشتر می خواهند مسئله شان حل گردد تا چیز دیگر.

از کجا می شناسیم دستور جلسه متقاضی صحیح هست یا نیست؟ جوابی که به سؤال ”ما چه می توانیم بکنیم (چه انتظاری از ما دارید)“ داده شده، بهترین نشانه از دستور جلسه متقاضی است. اگر نوشته، ”می خواهم از زیر بار این مشکلات خلاص شوم“، می بینید که نظرش اشتباه است. ممکن است خدا او را دچار زحمت کرده تا او را بسازد و برکت دهد. تطبیق با خواست متقاضی باعث خواهد شد برکاتی که خدا برای او در نظر دارد از میان برود. ممکن است خدا می خواهد سرسپردگی و استقامت را به او بی افزاید. البته ممکن نیز هست که خدا می خواهد درد و زحمت را از میان بردارد. اما با این حال، این نباید حذف اصلی باشد، چون فرآورده فرعی انجام خواست خدا همیشه صلح و آرامش می باشد. باید حذف بزرگتری را دنبال کرد. این حذف نیز ”خوشنودی خداوند“ می باشد.

بعنوان مثال، متقاضی می گوید حذفش ”می خواهم زخم به منزل برگردد“ است. این حذف ارزشمندی است، اما نباید حذف اصلی باشد. باید بگوید، ”من می خواهم زخم به منزل برگردد، اما مهمتر خواست خدا است که می خواهم اجرا شود، حال چه زخم برگردد چه برنگردد“. در غیر این صورت، اگر زخم بر نمی گشت ممکن بود دست از انجام دادن خواست خدا بر می داشت. اما اگر حذفش خوشنودی خدا است، انجام آنچه خدا می خواهد او را در برابر باز نگشتن زخم حفاظت می کرد. وقتی حذف درست باشد، بهترین ها نسبی خواهد شد.

مواردی بوده که زن و شوهری به مشاوره آمده و چنین گفته اند:

زن: ”من می خواهم او را ترک کنم. دیگر نمی توانم به این زندگی ادامه دهم!“

شوهر: ”ای بابا، چرا موضوع را اینقدر بزرگ می کنید. مسئله ای وجود ندارد.“

در چنین شرایطی که برداشت ها اینقدر تفاوت دارند چکار می توان کرد؟ مسئله ای که مشخص می باشد، عدم ارتباط صحیح است.

مشاور: ”از آنجا که برداشت شما اینقدر با هم فرق دارد، معلوم است که مسئله ابتدا در عدم ارتباط صحیح میان شما می باشد. حال ببینیم خدا در این باره چه می گوید:

اول پطرس ۳

۷: به همین سان، شما نیز ای شوهران، در زندگی با همسرانتان باملاحظه باشید و با آنان چون جنس ظریفتر با احترام رفتار کنید، چرا که همپای شما وارث هدیه سخاوتمندانه حیاتند، مبدا دعاهایتان مستجاب نشود.

بطوری که می بینیم، ارتباطی که با همدیگر دارید، مستقیماً بر ارتباط شما با خدا اثر دارد. به عبارت دیگر، اگر ارتباط باهم صحیح نباشد، ارتباط با خدا نیز صحیح نخواهد بود. مثل آن است که فرزند شما می‌خواهد کلید اتوموبیل خود را به او بدهید، اما تا زمانی که با خواهرش آشتی نکرده، چنین اجازه‌ای را به او نخواهید داد. کاری هست که باید قبلاً انجام گردد(۱). آنچه خدا می‌خواهد بر همه چیز اولویت دارد.

اما مواردی را نیز خواهید داشت که متقاضی چیزی کاملاً نادرست و یا مشکوک را می‌خواهد. البته شما از طریق کلام به او نشان خواهید داد چرا حدفش نا درست می‌باشد. او نباید با آن بی‌ایمان ازدواج کند، با وجود آنکه ”عاشق“ او شده است:

اول قرن‌تینان ۷

۳۹: زن تا زمانی که شوهرش زنده است، به او بسته است. اما اگر شوهرش درگذشت، آزاد است تا با هر که می‌خواهد ازدواج کند، البته به این شرط که آن مرد در خداوند باشد.

و اگر روابط با آن زن را در مقابل با خدا در درجه اولویت قرار داده باشد، شهوت پرستی است که گناه می‌باشد:

کولساین ۳

۵: پس، هر آنچه را در وجود شما زمینی است، بکشید، یعنی بی‌عفتی، ناپاکی، هوی و هوس، امیال زشت و شهوت پرستی را که همان بت پرستی است.

این موضوع‌ها را به طریق واضح برایش روشن خواهید کرد. اما اگر موضوع مشکوک بنظر می‌رسد، باید اصل ”فرصت کامل“ را برایش توضیح دهید:

رومیان ۱۴

۲۳: اما کسی که درباره خوردن خوراکی دچار تردید است، اگر آن را بخورد محکوم می‌شود، زیرا با ایمان نخورده است و آنچه از ایمان نباشد، گناه است.

”آنچه از ایمان نباشد، گناه است“، یعنی اگر فکر می‌کنید کاری که می‌خواهید انجام دهید ممکن است خلاف خواست خدا باشد، آن را انجام ندهید. چون حتی اگر آن کار به خودی خود گناه نباشد، شما چون مطمئن نبودید که شامل خواست خدا برای شما هست یا نیست، با انجام آن گناه کرده‌اید. در نتیجه، تا جایی که مطمئن نیستید خواست خدا هست، نباید دست به آن بزنید. اگر در آینده، متوجه شدی که از نظر خدا اشکالی ندارد، می‌تواند جانب آن را بگیرد. در هر دو صورت، منظور جلال دادن به خدا است، هم در کار و منظور آن.

اگر متقاضی حاضر نیست منظورش (دستور جلسه) را مطابق با خواست خدا کند، ادامه مشاوره منطقی نیست. چون مسئله از آنچه صحبت از آن شده بود، تبدیل به ”دستور جلسه‌ای که متقاضی باید به آن پایبند باشد“ شده است. اگر متقاضی حاضر به ادامه مشاوره در زمینه تطبیق دستور جلسه هست، می‌توان به جلسات ادامه داد. اما اگر نمی‌خواهد دستور العمل خدا را پی‌گیری نماید، جلسات را باید خاتمه داد. بعضی مواقع دیده شده که مشاوران در کمال محبت، نا خواسته موافقت خود را با سوء استفاده متقاضی از موقعیت نشان داده‌اند. این اشکال بزرگی است. دستور جلسه را روح القدس فراهم می‌سازد، و مشاوران مسیحی باید از آن پی‌گیری کنند. اما زمانی که

بهبانها و بی اطاعتی ها روی خود را ظاهر ساختند، موقع آن رسیده که دست از آن شسته و جدا شد. دلسوزی در جایی که کاری به دنبال آن نمی توان کرد، بی فایده است. ”اگر متقاضی تنها بخاطر آنکه از من کمک بگیرد، بگوید که منظور من همان منظور خداست - در حالی که واقعاً اینطور نیست، چه؟ یعنی در دلش چنین منظوری را ندارد“.

اول سموئیل ۱۶

۷: اما خداوند به سموئیل گفت: (به چهره اش و بلندی قامتش نظر منما زیرا او را رد کرده ام، چونکه خداوند مثل انسان نمی نگرد، زیرا که انسان به ظاهر می نگرد و خداوند به دل می نگرد.)

یوحنا ۲

۲۵: و نیازی نداشت کسی درباره انسان چیزی به او بگوید، زیرا خود می دانست در درون انسان چیست.

از این آیات چنین برداشت می کنیم که ”خدا“ است (عیسی مسیح) که می داند در دل انسان چیست. مشاور کارش بررسی آنچه متقاضی می گوید و می کند است، و نه بیشتر از آن(۲). اگر متقاضی دروغ بگوید، در جلسات بعد آشکار خواهد شد (از طریق تکالیفی که بر حسب آنچه گفته و کرده ساخته شده اند). اگر اطلاعات نادرستی را داده باشد، نخواهد توانست تکالیف را انجام رساند. تا زمانی که نشانه محسوسی از آنچه ایجاد شک و تردید می کند برای شما بدست نی آمده:

اول قرنتیان ۱۳

۷: محبت با همه چیز مدارا می کند، همواره اعتماد دارد، همیشه امیدوار است و در همه حال پایداری می کند.

ممکن است متقاضی از قصد اطلاعات ناصحیحی را به شما داده باشد. شاید در واقع دروغ نگفته باشد. ممکن نیز هست برداشت او درست نبوده یا اطلاعات کافی نداشته است. در اینصورت، شما مجبور خواهید شد به او کمک کنید اطلاعات نا درست را از آنچه واقعیت دارد جدا سازد. پس در حالی که نمی توانید بدانید در دل او چه می گذرد (بقدر کافی مشکل هست بدانید در دل خودتان چه می گذرد)، باید به متقاضی گوشزد کنید اطلاعاتی که می دهد درست باشد. اگر مطمئن نیست، از او بخواهید شکش را نیز بازگو نماید. اگر شکی ندارد، آن را نیز بازگو نماید. اما دروغ و یا دروغ های مصلحتی (که چیزی جز دروغ نمی باشند)، جریان مشاوره را کند کرده و خدا را خوش نمی آید. این حقایق است که باید در جلسات اولیه آشکار شده باشند. بجای آنکه او را با دروغ رسوا نمائید، بهتر آن است که قبل از وقوع از آن جلوگیری نمائید.

بیاد متقاضی بیاورید که آنچه می گوید و می کند در محضر خدا است. این خود جزء فراهم ساختن محیط (زمینه) مناسب مشاوره مسیحی است. به او گوشزد کنید که ممکن است حقایق را بتواند بگونه ای استتار نماید، اما نهایتاً خود را گول زده (ضرر به خود است) چون خدا دل را می بیند و دروغ را افشا می سازد.

۱۲: زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و بُرنده تر از هر شمشیر دو دم، و چنان نافذ که نفس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می کند، و سنجشگر افکار و نیت‌های دل است.

۱۳: هیچ چیز در تمام آفرینش از نظر خدا پنهان نیست، بلکه همه چیز در برابر چشمان او که حساب ما با اوست، عریان و آشکار است.

خدا با آنچه حقیقت ندارد کار نمی کند. این حرف ها را البته تحت عنوان امور عادی بزنید، نه بخاطر آنکه به او مظنون می باشید. البته وقتی آن را قبل از جمع آوری اطلاعات عنوان کنید، دلیل ندارد فکر کند او را مرتکب اشتباه شمرده باشید. نتیجتاً دستور جلسات نه تنها باید مناسب با موقعیت متقاضی و مطابق با کلام بوده باشند، بلکه باید بر مبنای حقیقت و درستی بنا گردیده باشند. کج کردن حقیقت کار خدا نیست.

بگذارید بر این موضوع آخر پافشاری کنم. وقتی صحبت از فاش کردن حقایق می کنید، هر چند ممکن است متقاضی را در موقعیت ناخوشایندی قرار دهد، باید تاکید بر ”تمام“ حقایق (تمام آنچه راجع به موضوع می داند) باشد. البته منظور تکرار حقایق از دیدگاه های مختلف نیست، اما تمام آنچه کمک می کند تا حقایق آشکار شوند باید گفته شود. کسانی خواهند بود که نصف حقیقت را بازگو می کنند، در حالی که تمام حقیقت اوضاع را بگونه دیگری نشان خواهند داد. زن می گوید: ”او مرا کتک زد! او کشیده به صورت من زد!“.

شوهرش می گوید: ”بله من کشیده به صورت او زدم چون بقدری آشفته شده بود که سرش را مهکم به دیوار می کوبید. من فکر می کردم سرش خواهد شکست، و با کشیده زدن سعی کردم او را متوجه کاری که می کند بنمایم“. این دو داستان فرق بزرگی با هم دارند اگر تنها یکی از آن ها را به شمار آورد. البته رفتار شوهر ممکن است حکیمانه نبوده باشد، اما نیت انجام آن بد نبوده. اما کل حقیقت فرق بزرگی را ایجاد می نماید.

اگر بتوان دستور عمل (دستور جلسه) خداوند را در اولین جلسه پای گذاری نمود کار مهمی انجام شده است. مشاور این کار را می کند تا دستور جلسه نام مشاور را عهده دار نگردد. اگر لازم باشد برای ایجاد آن، دو یا سه جلسه اختصاص داده شود عیبی ندارد. تا زمانی که راه تنگ و باریک برای همه اشکار نشده، کار های دیگر فایده نخواهند داشت.

فهرست زیر نویس های فصل ششم

- (۱) در متی ۶: ۱۴ و ۱۵ نیز همان را می بینیم.
- (۲) در فصل های ۳ و ۴ یوحنا نیز می خوانیم که عیسی مسیح می دانست در دل نیکودیموس و زنان کنار چاه آب چه بود. مشاورانی فکر می کنند می دانند در دل متقاضی چه می گذرد. فکرشان اشتباه است؛ این حق ویژه خدا است، و نباید قدمی در این عرصه برداشت کنید. در بعضی مکاتب مشاوره مسیحی صحبت از ”بت های قلبی“ (Idols of the Heart) شده، که بنظر مشکوک می آیند. این موضوع را در حزقیال ۱۴ می بینیم، در صورتی که در آنجا منظور بت هایی نیست که خود شخصاً برای خود می سازیم (شهوت، مال، و غیره)، بلکه بت هایی است که خدا در زمان تبعید از میان برده بود. وقتی صحبت از ”بت شهوانی، بت مقاربت جنسی“، و غیره، می شود، گوئی می توان به وجودشان در کسی پی برد. این موضوع مشکوک بنظر می رسد. امکان خطر را در اینجا نباید نادیده گرفت. وقتی کلام خدا از چنین واژه ای استفاده نمی کند، نباید آن را بنا ساخت. انسان بر بیرون می نگرد، و آنچه بر درون می باشد قلمرو خدا است. از کلام دور نشوید.